



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

رهیافتنی به نظام تربیتی

اسلام از نگاه

محمد
حسین

سید ابراهیم میرشاه جعفری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه

نویسنده:

سید ابراهیم میرشاه جعفری

ناشر چاپی:

سید ابراهیم میرشاه جعفری

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۷	مفهوم شناسی واژه‌های کلیدی
۷	نظام تربیتی
۷	اهداف تربیت
۸	مبانی تربیت
۸	اصول تربیت
۸	روش‌های تربیت
۸	اهداف تربیت در صحیفه سجادیه
۸	اشاره
۸	هدف غایی
۹	اهداف واسطه‌ای
۹	تربیت عقلانی
۱۰	شناخت خدا
۱۱	مبانی تربیت در صحیفه سجادیه
۱۱	اشاره
۱۱	خداجویی
۱۱	غفلت
۱۱	خود دوستی
۱۲	اصول تربیت در صحیفه سجادیه

- ۱۲ اشاره
- ۱۲ اصل بازگشت یا تغییر رفتار
- ۱۲ اصل تذکر
- ۱۳ اصل عزت
- ۱۳ روش‌های تربیتی در صحیفه‌ی سجادیه
- ۱۳ اشاره
- ۱۴ توبه
- ۱۴ روش تفضل
- ۱۵ روش تبشیر
- ۱۶ روش نیکی در برابر بدی
- ۱۶ روش تأخیر در کیفر
- ۱۶ روش موعظه
- ۱۶ روش یادآوری نعمت
- ۱۷ روش شناساندن حمد و ستایش
- ۱۷ روش ابراز توانایی‌ها
- ۱۸ روش حسن ظن
- ۱۸ روش عذر پذیری
- ۱۸ روش عیب پوشی
- ۱۹ نتیجه گیری
- ۱۹ پاورقی
- ۱۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه

مشخصات کتاب

مؤلف: سید ابراهیم میرشاه جعفری

مترجم: حمید مقامی

ناشر: سید ابراهیم میرشاه جعفری

چکیده

از منابع مهم در بررسی و استنباط عناصر نظام تربیتی اسلام، دعاهای مأثور از پیشوایان دین، به ویژه، دعاهای گران سنگ امام سجاد (ع) است. در این نوشتار اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی در صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا به بررسی و تعریف مفاهیمی چون «نظام تربیتی»، «اهداف»، «مبانی»، «اصول» و «روش‌های تربیت» پرداخته و ارتباط بین این مفاهیم را روشن ساخته‌ایم. با توجه به ارتباط منطقی بین این عناصر، به استنباط نظریه‌های راهنمای عمل از دیدگاه صحیفه پرداخته و مقاله را با بررسی سه هدف، سه مبنا، سه اصل و دوازده روش تربیتی سامان بخشیده‌ایم. واژه‌های کلیدی: ۱- صحیفه سجادیه ۲- نظام تربیت ۳- اهداف تربیت ۴- مبانی تربیت ۵- اصول تربیت

مقدمه

«زبان دعا» که در صحیفه برای تعلیم و تربیت شیعیان مورد استفاده قرار گرفته است برترین شیوه تربیتی است. این زبان به عنوان زبانی عاطفی - عقلانی شور و شعوری دل‌انگیز می‌آفریند او را به مقصد تربیت رهنمون می‌سازد. رهنمودهای کلی و دستورالعمل‌های جزئی تربیتی صحیفه که مبتنی بر شالوده‌های بنیادین انسان‌شناختی و نگاه پیوسته به مقصد عالی تربیت است به نظام تعلیم و تربیت اسلامی ساختاری منطقی و زیبا بخشیده است. اگر چه ساختار به نحو مشخص در صحیفه نمود ظاهری ندارد؛ ولی نیازمند استنباطی است که همه‌ی جنبه‌های آن را از نظر مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها مشخص سازد. در این مقاله کوشیده‌ایم نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از حیث اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت از طریق دعاهای صحیفه مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم‌شناسی واژه‌های کلیدی

نظام تربیتی

منظور از نظام تربیتی مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌های سازمان یافته درباره‌ی تربیت است که از نوعی همبستگی درونی برخوردارند و به طور اساسی و پایه‌ای بیانگر چگونگی تربیتند. این مفاهیم عبارتند از: مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها که به عناصر اساسی تعلیم و تربیت معروفند.

اهداف تربیت

هدف در تعلیم و تربیت به معنای نقطه‌ی نهایی و وضع مطلوبی است که به طور آگاهانه تلاش‌های تربیتی ما به آن معطوف است.

اهداف در یک تقسیم بندی کلی به غایی و واسطه‌ای تقسیم می‌شوند. برخی از اهداف واسطه‌ای نسبت به یکدیگر ارتباط عرضی دارند، به طوری که می‌توانند در کنار هم قرار گرفته و ناظر به شئون مختلف انسان باشند. این اهداف نسبت به هدف غایی ارتباط طولی دارند و حلقه‌های میانگین برای دست یافتن به هدف غایی‌اند. در صحیفه به برخی از این اهداف اشاره شده است.

مبانی تربیت

مبانی تربیت گزاره‌هایی است که بیانگر ویژگی‌های عمومی آدمی است و به شکل قضایای حاوی «است»، قابل بیانند. به بیان دیگر: مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت‌های او و از ضرورت‌هایی که حیات آدمی همواره تحت تأثیر آنهاست بحث می‌کند. در این مقاله مبانی تربیت گزاره‌هایی برگرفته از صحیفه سجادیه است که بیانگر ویژگی عمومی انسان است.

اصول تربیت

اصول مجموعه قواعدی است که با توجه به مبانی (ویژگی‌های عمومی انسان) و اهداف تربیت (۹) کشف شده و در جریان تربیت راهنمای عمل قرار می‌گیرند. [۱] اصولی که در این گفتار بر آنها تأکید شده بر مبانی‌ای مبتنی‌اند که از دعاهای صحیفه استخراج شده‌اند. این اصول به نوبه خود زمینه‌ی کشف روش‌ها را فراهم ساخته‌اند.

روش‌های تربیت

روش‌ها دستورالعمل‌هایی جزئی است که برای ایجاد تغییرات مطلوب در متربی به کار گرفته می‌شود. هر دسته از این دستورالعمل‌ها در دامنه‌ی یک اصل تربیتی قرار گرفته و مبتنی بر آنند. در کشف روش‌ها توجه به مبانی و اهداف تربیت و ارتباط با آنها ضرورت دارد. در این مقاله سعی بر آن است روش‌های تربیتی، مبتنی بر اصول و با نگاه به اهداف و مبانی صحیفه استخراج گردد.

اهداف تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

چنان که پیش‌تر گفته شد، اهداف در تعلیم و تربیت به دو دسته‌ی غایی و واسطه‌ای تقسیم می‌شوند. اهداف واسطه‌ای نسبت به هدف غایی رابطه‌ی طولی دارند و مطلوبیت آنها به قرار گرفتن در خط سیر هدف غایی وابسته است، به طوری که ارزش خود را از هدف غایی کسب می‌کنند. این اهداف همگی در کنار یکدیگر قرار گرفته و ناظر به شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جسمی، فکری و اخلاقی انسانند. [۲].

هدف غایی

هدف غایی تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع) چیزی جز «قرب الهی» نیست. در سراسر صحیفه، توجه به خداوند موج می‌زند. امام علیه‌السلام نظام تربیت را در قالب دعا و گفت و گو با خدا سامان می‌دهد و بر آن است که ساحت زندگی بشر را با نام و یاد خدا و درخواست قرب و نزدیکی به او زینت بخشد. اصولاً لفظ دعا، خود تربیت کننده و جهت دهنده است. دعا به خودی خود موجب طهارت روح می‌گردد و راه را به سوی رفتن به فراترها آسان و میسر می‌سازد. امام (ع) در دعاهای مختلف از خداوند درخواست

نزدیکی به او را دارد و کسانی را که به تقرب او دست می‌یازند، برنده میدان می‌داند: «یا من تنقطع دون رؤیته الابصار، صل علی محمد و آله و ادنا الی قریبک» (دعای ۴/۵)؛ ای آن که چشم‌ها از دیدن او بازمی‌مانند، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به قرب خود نزدیک فرما. «و من تقربه الیک یغنم» (همان / ۹)؛ هر که را به سوی خود نزدیک گردانی، غنیمت و سود می‌برد. و به راستی که این سود و غنیمت چیزی جز سعادت، نیک بختی و هدف‌نهایی تربیت انسانی نیست. و این هدف دست‌یافتنی است زیرا هر کس به قصد نزدیکی به خداوند به ریسمان او در آویزد، به او نزدیک می‌گردد: «القرب الی من حاول قریبک» (دعای ۲۱/۴۵)؛ تو به کسی که قصد تقرب تو کند، نزدیکی. این جاست که قصد قربت در همه‌ی عرصه‌های زندگی برای رسیدن به هدف‌نهایی تعلیم و تربیت ضروری می‌نماید و کوشش در این راه وظیفه‌ی متربی است: «و اذقنی طعم الاجتهاد فیما یزلف لدیک و عندک» (دعای ۱۲۵/۴۷)؛ و مزه کوشش در آن چه به تو نزدیک می‌گرداند به من بچشان. بر این اساس، تمام اهداف واسطه‌ای نیز که ناظر بر شؤن مختلف آدمی است، باید به هدف‌نهایی بیانجامد و گرنه بی‌حاصل و بی‌نتیجه خواهد ماند. این کوشش و تلاش برای رسیدن به لقاء پروردگار باید شوق انگیز و مشتاقانه باشد: «و شوقنی لقاءک» (همان / ۱۲۶)؛ مرا برای دیدارت مشتاق ساز. و رغبت و درخواست و هدف‌متربی باید تنها شوق دیدار او باشد: «و اجعل فیما عندک رغبتی شوقا الی لقاءک» (دعای ۴/۵۴)؛ و رغبت و خواسته‌ام را در آن چه در نزد تو است، شوق دیدار خویش قرار ده. قرب الهی به عنوان هدف برتر و نهایی تربیت در عرصه‌ی زندگی دنیا، آن چنان اهمیت می‌یابد که از دیدگاه امام سجاد (ع)، آرامشگاه بشری است: «و اجعل عندک مقیلا آوی الیه مطمئنا و مثابة اتبوءها و اقرعینا» (دعای ۱۲۹/۴۷)؛ برای من نزد خود آرامشگاهی که در آن آرامش گیرم و جایگاهی که در آن جای‌گیریم و چشمم را روشن سازم (و شاد گردم)، قرار ده. این آرامشگاه و جایگاه شادی آفرین، وقتی حاصل خواهد شد که متربی از همه چیز حتی مال و دارایی دنیا قصد قربت کند و آن را وسیله‌ی رسیدن به جوار رحمت الهی و پیوستن به قرب او گرداند: «و اجعل ما خولتني من حطامها و عجلت لی من متاعها بلغة الی جوارک و وصله الی قریبک و ذریعه الی جنتک» (دعای ۶/۳۰)؛ آن چه از مال و دارایی دنیا که به من ارزانی داشته‌ای و آن چه از کالای آن که برای من پیش‌انداخته‌ای (و در دنیا عطا فرموده‌ای)، وسیله رسیدن به جوار خود و پیوستن به قرب خویش و وسیله‌ای به سوی بهشت گردان. بنابر آن چه گفته شد، قرب به معنای رویکرد به خدا، در مقابل دوری از خدا و رویگردانی از اوست. در فرایند تعلیم و تربیت آن چه در عرصه‌ی هدف مهم است، توجه دادن متربی به ذات اقدس باری تعالی است. به طوری که همه‌ی امور را با توجه و یاد خدا انجام دهد و به دامن غفلت در نغلتد. توجه دارای مراتبی است که هم درون و هم برون را در بر می‌گیرد. هر چه توجه درونی و بیرونی بیشتر باشد، قرب بیشتری حاصل می‌گردد و هر چه سطحی و کم‌رنگ باشد، قرب کمتری به دست خواهد آمد، اما مهم حرکت در این مسیر است. متربی هر گامی که به سوی معبود خویش، هر چند کوتاه بردارد، به درجه‌ای از قرب نائل شده که نسبت به وضعیت قبلی رشد و تربیت بیشتری یافته است؛ اما نسبت به وضعیت و مرتبه بالاتر در ضعف قرار دارد. در تعلیم و تربیت اسلامی کوشش مربی آن است که متربی را همواره به درجه‌ای بالاتر رهنمون سازد. و مربی نیز باید در کار خویش قصد قربت کند تا همواره همراه با متربی، او نیز به درجه‌ای بالاتر از قرب دست یازد؛ چنان که حضرت سجاد (ع) نیز به عنوان مربی و پیشوا از خداوند درخواست قرب می‌کند: «و ادنا الی قریبک» (دعای ۴/۵)؛ ما را به قرب خود نزدیک گردان. و چنین است که در تعلیم و تربیت اسلامی مربی و متربی پیوسته در حال دگرگونی هستند؛ دگرگونی‌ای که هر لحظه کامل‌تر از لحظه‌ی پیش است.

اهداف واسطه‌ای

تربیت عقلانی

آن چه متربی را در مقابل موانع تربیت، مقاوم ساخته و با نظر به هدف غایی تربیت او را برای رسیدن به موقعیت مطلوب کمک می‌رساند به کارگیری قوه‌ی عقلانی است. تربیت عقلانی به عنوان یکی از اهداف مهم واسطه‌ای، متربی را در رسیدن به «خود فرمانی عقلانی» و در نهایت وصول به مقام قرب الهی یاری می‌رساند و بدون آن حرکت در مسیر، سخت و ناممکن خواهد بود؛ زیرا شیطان به عنوان مهم‌ترین مانع در فرآیند تعلیم و تربیت، با فراهم آوردن ناآرامی‌های روانی در درون انسان، مانع بروز استعدادهای آدمی خواهد شد. امام (ع) در دعای مکارم الاخلاق بر این نکته تأکید می‌ورزد: «اللهم اجعل ما یلقى الشیطان فی روعی من التمنی و التظنی و الحسد ذکرا لعظمتک و تفکرا فی قدرتک و تدبیرا علی عدوک» (دعای ۱۳/۲۰)؛ بار خدایا! آن چه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می‌افکند، به یاد بزرگیت و اندیشه در توانایت و عاقبت اندیشی بر دشمنت، مبدل گردان. از دیدگاه صحیفه در فرآیند تربیت عقلانی سه مرحله قابل تصور است: ۱- ذکر (ذکرا لعظمتک)؛ ۲- تفکر (تفکرا فی قدرتک)؛ ۳- تدبیر (تدبیرا علی عدوک). مرحله‌ی اول که حضرت (ع) آن را «ذکر» می‌نامد، یادآوری علم متربی است. متربی به عنوان یک انسان به طور طبیعی در معرض فراموشی یا غفلت واقع می‌شود. از آن جا که تذکر از جانب مربی و ذکر (از سوی متربی) با ملاحظه‌ی هدف واسطه‌ای تربیت عقلانی و در راستای وصول به هدف غایی تربیت به عنوان یک اصل مهم در تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه است، مربی در اولین مرحله‌ی تربیت عقلانی در مواجهه با مسأله باید ذهن متربی را تحریک کرده، دانسته‌های فطری و اکتسابی او را مورد عظمت و بزرگی خدا به یادش آورد (ذکرا لعظمتک). یادآوری، خود انگیزه‌ی تفکر و تعقل پیرامون مسأله را در او ایجاد می‌کند. بنابراین مربی باید او را به تفکری جهت‌دار در قدرت الهی (تفکرا فی قدرتک) رهنمون سازد. نتیجه‌ی این دو مرحله «تدبیر» را به دست خواهد داد (تدبیرا علی عدوک). متربی پس از ذکر و تفکر، به قدرتی عقلانی دست می‌یابد که می‌تواند به تدبیر و دور اندیشی در برابر مانع تربیت (شیطان) پرداخته و مسأله را خود حل کند و البته این امر جز با درخواست توفیق از خدا و یاری او ممکن نخواهد بود. شاید بتوان با اندکی دقت مراحل پنج‌گانه روش حل مسأله دیویی را بر مراحل سه‌گانه تربیت عقلانی مزبور در صحیفه که کامل‌تر و با رویکردی دینی است تطابق نمود.

شناخت خدا

از جمله اهداف واسطه‌ای تربیت در صحیفه معرفت خدا است. این هدف که کلید دستیابی به هدف نهایی است، نقش مهمی در تقرب به درگاه حق تعالی دارد. بدون شناخت خداوند، تقرب به او امکان‌پذیر نیست، تقرب و نزدیکی به او، تخلق به اخلاق حق، کسب ایمان، توکل و تقوا همه در سایه‌ی شناخت کامل و عمیق خدای متعال ممکن است. شناخت‌های سطحی به ارتباط ضعیفی بین عبد و معبود می‌انجامد و هر چه در معرفت گسترده و عمیق‌تر باشد، ارتباط مستحکم و شدیدتر خواهد بود. امام سجاد (ع) در دعاهای متعدد به خداشناسی و معرفت الهی پرداخته و با اشاره به موضوعاتی چون توحید و مراتب آن، ذات خدا و صفات او، به تقویت و تعمیق شناخت آدمی پرداخته است. در دعای نخست، ضمن حمد و سپاس خداوند به شناساندن ذات باری تعالی می‌پردازد: «الذی قصرت عن رویته ابصار الناظرین و عجزت عن نعته اوهام الواصفین ابتدع بقدرته الخلق ابتدعا و اخترعهم علی مشیته اختراعا ثم سلک بهم طریق ارادته و بعثهم فی سبیل محبته...» (دعای اول / ۳، ۴، ۲)؛ خدایی که دیده‌های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه‌های وصف‌کنندگان از عهده و صفش برنیایند. به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود می‌آورد، بی‌آن که از روی مثال و نمونه‌ای باشد. سپس آنان را در راه خواست خود روان گردانید و در راه محبت و دوستی به خود برانگیخت... در فرازهای این دعا و دعاهای دیگری مانند دعای عرفه، حضرت (ع) به شناساندن خدای سبحان پرداخته و دریچه‌هایی از معرفت الهی را به سوی آدمیان می‌گشاید. معرفت خدا چه از راه حصولی و با تفکر درباره‌ی او و آفریدگانش و چه از راه حضوری، مورد نظر صحیفه است. مثلا حضرت (ع) در نخستین دعا به شناخت حضوری و معرفت فطری

اشاره دارد و خدای را به خاطر الهام شکر و سپاس خود به آدمیان و شناساندن وجود، علم و قدرتش به آنها و راهنمایی فطری و درونی به سوی خویشتن مورد حمد و ستایش قرار می‌دهد: «و الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه و الهمنا من شکره، و فتح لنا من ابواب العلم بربوبیته و دلنا علیه من الاخلاص له فی توحیده، و جنبنا من الالحاد و الشکک فی امره» (دعای اول / ۱۰)؛ سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس خود را به ما الهام نمود و درهای علم به ربوبیتش را بر ما گشود و بر اخلاص در توحید و یگانگیش راهنماییمان کرد و از شک و دو دلی در امر خود (معرفت ذات و صفات) دورمان ساخت.

مبانی تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

با دقت نظر در صحیفه‌ی سجادیه، می‌توان برخی از ویژگیهای عمومی انسان را کشف و به عنوان مبانی تربیت ارائه کرد. برخی از مهم‌ترین مبانی تربیت از دیدگاه امام سجاد (ع) عبارت است از «خداجویی و خدا دوستی»، «غفلت و خود دوستی».

خداجویی

خدا جویی، خدا خواهی و خدا دوستی به عنوان ویژگی عمومی انسان‌ها یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در صحیفه است. این حس مشترک به طور فطری در همه انسان‌ها، حتی کسانی که در یافتن مصداق حقیقی خدا به انحراف رفته‌اند، وجود دارد. حضرت (ع) در دعای بیستم از خداوند درخواست می‌کند که: «اللهم اجعلنی اصول بک عند الضروره و اسالک عند الحاجه و اتضرع الیک عند المسکنه و...» (دعای ۱۲/۲۰)؛ خداوندا! مرا چنان قرار ده که هنگام اضطرار به [یاری] تو [بر دشواری‌ها] حمله آورم و به هنگام نیازمندی از تو بخواهم و هنگام تنگدستی به درگاه تو تضرع و زاری کنم. این فراز دلالت دارد بر این که نیرویی درونی انسان را به سوی خدا می‌کشاند و هنگام گرفتاری و نیازمندی رو به سوی او می‌کند.

غفلت

از دیگر مبانی تربیت که در صحیفه بر آن تأکید شده غفلت است. البته این مبنا را می‌توان با مبنای پیشین، یعنی خدا خواهی و خدا جویی انسان، یک جا مورد بحث و بررسی قرار داد. در فراز زیر این دو ویژگی انسان در کنار هم ذکر شده است: «و لا تسمنا الغفله عنک، انا الیک راغبون و من الذنوب تائبون» (دعای ۴/۳۴)؛ ما را از جانب خود به غفلت گرفتار مکن، چون ما به سوی تو خواهان و از گناهان توبه کننده‌ایم. با تعمق در دعاهای صحیفه درباره‌ی خدا خواهی و غفلت انسان، دو گزاره‌ی حاوی «است» به دست می‌آید: ۱- «انسان خداخواه و خداجو است»؛ ۲- «غفلت از ویژگی‌های انسان است». این دو گزاره می‌توانند، به عنوان مبانی تربیت، پایه برخی از اصول تربیت مانند «بازگشت و تذکر» قرار گیرد.

خود دوستی

منشأ بسیاری از محبت‌ها و گرایش‌های عاطفی انسان خود دوستی او است. این امر را می‌توان سومین مبنای تربیت تلقی کرد و برخی از اصول و روش‌های تربیت را از آن استخراج نمود. این عنوان مستقیماً در صحیفه ذکر نشده، اما با توجه در برخی از دعاها می‌توان جلوه‌هایی از این ویژگی را مشاهده کرد. دعاهای حضرت برای خود و نزدیکان (دعای ۷) درخواست حاجت‌ها (دعای ۱۳)، شفا هنگام بیماری (دعای ۱۵)؛ رفع بلاها و سختی‌ها (دعای ۱۸)؛ تندرستی (دعای ۲۳)؛ رفع تنگی رزق (دعای ۲۹)؛ یاری

طلبیدن برای ادای قرض (دعای ۳۰)؛ رفع غم و اندوه (دعای ۵۴) و بسیاری از دعاها دیگر که در آن درخواست سعادت، کمال، قدرت، نعمت و... از خداوند دارد؛ همگی حاکی از روح خود دوستی انسان است. اگر خود دوستی یا «حب ذات» به عنوان یک مبنای تربیتی به نیکی مورد توجه قرار گیرد، به یقین منشأ عزت، کمال، نیک بختی و سرافرازی متربی می‌گردد و چنان چه این غریزه‌ی درونی به انحراف کشیده شود، روح تکبر و استکبار، طغیان و عصیان بر او چیره خواهد شد و آدمی را به گرداب خود خواهی، خود پرستی، عجب، غرور و حرص می‌کشاند. از این مبنا می‌توان «اصل عزت» را کشف و در تدابیر تربیتی مورد استفاده قرار داد.

اصول تربیت در صحیفه سجادیه

اشاره

اصول تربیت قواعدی است که با نگاه به مبانی و اهداف، کشف و در فرآیند تعلیم و تربیت راهنمای عمل قرار می‌گیرند. بر اساس مبانی تربیت بازگشت، تذکر و اصل را می‌توان به سه اصل مهم از اصول تربیت در صحیفه ارائه نمود.

اصل بازگشت یا تغییر رفتار

از اصل بازگشت یا تغییر رفتار مبنای «خدا جویی» استخراج می‌گردد. در صحیفه از «بازگشت و تغییر رفتار» به «انابه» تعبیر شده است. «ان یکن الترتک لمعصیتک انابه فانا اول المنیین (دعای ۲۸/۳۱)؛ اگر ترک معصیت و نافرمانی تو، انابه و بازگشت است؛ پس من اولین بازگشت کنندگان هستم. «تلقاک بالانابه» (دعای ۸/۱۲)؛ به وسیله انابه و بازگشت، به تو روی آورد. بازگشت و تغییر رفتار در متربی با مکانیسم توبه امکان پذیر است. در معنای انابه آمده است «الرجوع الی الله بالتوبه» (۱، ج: ۱۴، ص: ۳۱۹)؛ انابه بازگشت به سوی خداوند به وسیله توبه است یا «انابه به معنی بازگشت به طاعت است» (همان، ص: ۳۱۹) که معنای تغییر رفتار - تغییر از معصیت به طاعت - در آن لحاظ شده است. بازگشت متربی و عطف توجه او به این موضوع اساسی با کمک اصل دیگری از اصول بنیادین تربیت به عنوان «اصل تذکر» امکان پذیر خواهد بود. در جریان تعلیم و تربیت گاهی متربی نعمت‌ها و نیکی‌های مربی را به فراموشی می‌سپارد لذا دست به عصیان می‌زند و از مسیر تربیت خارج می‌گردد. این جا بر عهده مربی است که به یادش آورد، بازش گرداند و در آغوش خویش نیکش پیوراند.

اصل تذکر

تذکر که مبتنی بر مبنای تربیتی «غفلت» یا بیگانگی از خدا است، از اساسی‌ترین اصول تربیتی است که مربی همواره به آن نیازمند خواهد بود، چرا که غفلت همواره در کمین متربی است تا او را در خود فروبرد. این اصل می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای به کارگیری اصل «بازگشت یا تغییر رفتار» باشد. امام (ع) در فرازهای مختلفی از دعاها، ضمن اشاره به ویژگی غفلت ذکر را به عنوان راه غفلت زدایی معرفی می‌کند: «و نهنی لذکرک فی اوقات الغفله» (دعای ۲۹/۲۰)، مرا در اوقات غفلت، به یاد خود آگاه ساز. «و اشغل قلوبنا بذکرک عن کل ذکر» (دعای ۱/۱۱)؛ دل‌های ما را به یاد خود از هر یادی مشغول دار. «ثم انتبهت بتذکرک لی من غفلتی» (دعای ۱۶/۱۳). با آگاهانیدن تو از خواب غفلت بیدار شدم. با دقت در این فراز درمی‌یابیم که برای غفلت زدایی از متربی آگاه کردن و به یاد آوردن او لازم و ضروری می‌نماید؛ این جاست که این متذکر شدن و سپس یاری و راهنمایی، متربی را از لغزش بازداشته و او را از فروافتادن می‌رهاند و به راه، باز می‌گرداند؛ لذا امام (ع) در ادامه می‌فرماید: «و نهضت بتوفیقک من زلتی و

رجعت و نکصت بتسدیدک عن عثرتی» (همان)؛ با توفیق تو از لغزشم برخاستم و با راهنمایی تو از به سر در افتادن برگشتم (همان).

اصل عزت

بر مبنای «خود دوستی» به منزله‌ی ویژگی عمومی انسان، می‌توان سومین اصل تربیتی را «عزت» دانست. طبق این اصل مربی باید عزت نفس متربی را فراهم آورد. اگر متربی با توجه به غریزه‌ی خود دوستی، در خود عزتی قرین به عزت نفس واقعی بیابد؛ خود شیفتگی، خود محوری، خود خواهی، خود پسندی و آزمندی مذموم را در او پدید نخواهد آمد. برعکس به توانایی‌های خود آگاه شده، راه کمال و نیک بختی را پیش خواهد گرفت. متربی چون ذاتا شیفته‌ی خویش است، «اصل عزت» می‌تواند او را هدایت بخشد و به سعادت رهنمون سازد. عزت بخشی به متربی، با به وجود آوردن احساس عزت در او متفاوت است. احساس عزت می‌تواند وهمی و پنداری باشد و با ذلت قابل جمع است؛ اما عزت واقعی درونی با ذلت ناهماهنگ است. هرگاه کسی بتواند بر اساس غریزه‌ی خود دوستی، با قدرت، علم، جمال، و... دیگران را به اعجاب درآورد، احساس عزت در او پدیدار می‌شود؛ این چنین فردی ممکن است فریفته‌ی ویژگی‌های خویش گردد که در این صورت فاقد عزت واقعی است. این جاست که مربی باید احساس عزت واقعی را در متربی ایجاد کند؛ زیرا احساس عزت در برخی موارد جز حقارت نفس و خود دوستی‌های انحرافی و وهمی چیزی نیست. به همین دلیل، حضرت (ع) در دعا، عزت و بزرگی نزد خلق را توأم با خواری و کم ارزش کردن مقام دنیایی و ارجمندی ظاهری نزد خود می‌خواهد و بدین سان احساس عزت و بزرگی را کنترل و خود را به خدا می‌سپارد: «و لا ترفعی فی الناس درجه الا حططتی عند نفسی مثلها و لا تحدث لی عزا ظاهرا الا احدثت لی ذلة باطنه عند نفسی بقدرها» (دعای ۴/۲۰)، مرا در میان مردم به درجه و مقامی سرفراز مفرما، جز آن که پیش نفسم مانند آن پست نمایی و ارجمندی آشکارا و ظاهری برایم پدید می‌آور، جز آن که به همان اندازه پیش نفسم برای من خواری پنهانی پدید آوری. این نکته از نظر دور نماند که برای از بین رفتن احساس ذلت در متربی، ایجاد احساس عزت برای رسیدن به عزت پایدار و واقعی مطلوب است و از این جهت احساس عزت تنها نقش زمینه سازی را ایفا می‌کند. عزت واقعی نیز تنها در پرتو عبودیت و تذلل به درگاه الهی امکان پذیر خواهد بود چنان که حضرت (ع) می‌فرماید: «و ذللتی بین یدیک و اعزنی عند خلقک وضعنی اذا خلوت بک و ارفعی بین عبادک» (دعای ۱۱۸/۴۷)؛ مرا در درگاهت خوار و در نزد آفریدگانت عزیز و ارجمند گردان؛ و چون با تو خلوت کرده تنها به سر برم فروتن و در میان بندگانت بلند مرتبه و سرفرازم نما. بدین ترتیب در سایه‌ی عبودیت، با دست یازیدن به عزت پروردگار و تکیه بر ذات عزیز و قدرتمند او دست از مردم کوتاه می‌کند و در پرتو عزت الهی به بی‌نیازی از خلق می‌رسد. «و امنعنا بعزک من عبادک و اغننا من غیرک بارفادک» (دعای ۱۳/۵)؛ ما را به عزت و قدرت خود، از [شر] بندگانت دور ساز و به بخشش خود، از غیر خودت بی‌نیاز گردان. به نظر می‌رسد «اصل عزت» یکی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اصول تعلیم و تربیت اسلامی است، زیرا اگر متربی در درون خود، خویشتن را عزتمند بیابد، هرگز خود را به عصیان و گناه آلوده نمی‌سازد و یا لااقل گرایش بسیار کمتری به پستی‌ها و حقارت‌های نفسانی و اخلاقی از خود نشان می‌دهد. روش‌های تربیتی باید به گونه‌ای باشد که احساس عزت واقعی نفس را در متربی به بار آورد و او را از غلتیدن به حقارت و ذلت باز دارد، و از آن جا که توانایی‌ها و ضعف‌های متربی هر دو در احساس عزت او دخالت دارند، بر اساس اصل عزت روش ابراز توانایی‌ها و روش‌های «عذر پذیری؛ عیب پوشی و حسن ظن» و از اصول تذکر و بازگشت روش‌های بازیابی شخصیت دگرگون شده و دریافت عزت درونی از متن صحیفه قابل استخراج است.

روش‌های تربیتی در صحیفه‌ی سجادیه

در این بخش تلاش شده تا برخی از روش‌های تربیتی مبتنی بر اصول سه گانه «بازگشت، تذکر و عزت» از متن صحیفه استخراج و به عنوان راهبردهایی ویژه در جریان تعلیم و تربیت و تغییر رفتار در متریان پیشنهاد گردد. بدین منظور دوازده روش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ اگر چه شمار روش‌ها منحصر به این تعداد نبوده و مربی با توجه به اصول بنیادین تربیت می‌تواند در موقعیت‌های مناسب، روش‌های دیگری را نیز در عمل به کار گیرد.

توبه

«روش توبه» در نظام تربیتی صحیفه از جایگاه ممتازی برخوردار است و با توجه به مبنای تربیتی «بازگشت یا تغییر رفتار» می‌تواند به عنوان دستور العملی جزئی در فرایند تربیت به کار گرفته شود. توبه در لغت به معنای «رجوع و بازگشت» (۱، ج: ۲، ص: ۶۱) و در صحیفه به معنای «پشیمانی از گناه» و «وسيله‌ای برای تغییر رفتار یا باعث اصلاح انسان و رفع فساد» آمده است: «اللهم ان یکن الندم توبه الیک، فانا اندم النادمین» (دعای ۲۸/۳۱)، خدایا! اگر پشیمانی، توبه و بازگشت به سوی توست، پس من پشیمان‌ترین پشیمانانم. و نیز می‌فرماید: «یا من استصلح فاسدهم بالتوبه» (دعای ۱۰/۱۲)؛ ای آن که اصلاح تباهی‌های ایشان (بندگان خدا) را به وسیله‌ی توبه خواسته‌ای. وظیفه‌ی مربی است که در هنگام دور شدن متربی از فطرت خداجوی خود، او را به سوی حقیقت فطری خویش بازگرداند. توبه در معنای واقعی خویش، تنها در مورد گناه و عصیان به کار نمی‌رود؛ بلکه هر گونه دوری از اصل انسانی و توجه به عالم ماده همراه با غفلت از فرا ماده به بازگشتی راستین نیاز دارد. امام (ع) در این باره می‌فرماید: «اللهم و انی اتوب الیک من کل ما خالف ارادتک، او زال عن محبتک من خطرات قلبی و لحظات عینی و حکایات لسانی» (دعای ۲۲/۳۱)؛ بار خدایا! از اندیشه‌های دل و نگاه‌های زیر چشمی و گفت و گوهای زبانم که مخالف خواسته‌ی تو یا بیرون از دوستی تو باشد، به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم. «توبه» بر خلاف ظاهر دست نیافتنی آن - به ویژه در مورد کودک و نوجوان - در فرهنگ تربیتی اسلام، روش اساسی در تغییر رفتار به شمار می‌رود. این که توبه در نظام تعلیم و تربیت ما دست نیافتنی تلقی شده، شاید به خاطر عدم بینش صحیح نسبت به مفاهیم تربیتی دینی است. همواره توبه برای کسانی به کار برده شده که سراپا گناه و تقصیر بوده و گناهانی به غایت بزرگ مرتکب شده باشند. اما حقیقت توبه چیز دیگری است، و آن شیوه‌ای کارآمد برای باز آمدن متربی به آغوش مربی است. این حقیقت در تعلیم و تربیت اتفاق نمی‌افتد، مگر این که مربی نیز به سوی متربی بازگشت کند، او را بپذیرد و با ریسمانی از محبت و شوق، بازگشت متربی را به نظاره بنشیند. به همین خاطر «توبه» با توجه به مراحل گوناگون رشد، دارای مراتبی تشکیکی از شدت و ضعف است؛ بدین معنا که در سنین پایین استفاده از روش توبه باید با دقت بیشتری صورت بگیرد. در این که خردسال خطاکار را باید از راه خطا بازگرداند، شکی نیست؛ اما شکل بازگرداندن او با نوجوان و جوان متفاوت است. بدین منظور در مراحل پایین رشد استفاده از روش‌های دیگر بازگشت همراه با روش توبه، نمود بیشتری پیدا می‌کند.

روش تفضل

«روش تفضل» از دیگر روش‌هایی است که بر مبنای «اصل بازگشت» قابل استنتاج است. تفضل، بنا به تعریف صحیفه «یک نعمت یا احسان ابتدایی» است. (دعای ۳/۱۲). به عبارت دیگر، تفضل احسان به دیگری است، بدون حقی که این احسان جزای آن باشد (۸، ص: ۹۵). بنابراین، تفضل پاداش کاری که متربی انجام داده است، نیست. حضرت (ع) تفضل را یکی از صفات پارسایان می‌داند و از خداوند درخواست می‌کند که او را به زیور این روش تربیتی بیاراید: در این روش تربیتی، متربی با تفضل مربی به راه می‌آید و به سوی او بازمی‌گردد. اساسا در صحیفه «انابه» و «اقبال به خداوند» با تفضل الهی صورت می‌گیرد و تفضل اوست که بنده را وادار می‌دارد که از خداوند درخواست کند و به سوی او بازگردد: «و یحدونی علی مسألک تفضلک علی من اقبل بوجه الیک و وفد

یحسن ظنه الیک، از جمیع احسانک تفضل و اذ کل نعمک ابتداء» (دعای ۳/۱۲)؛ تفضل تو به کسی که به تو رو می‌آورد و با گمان نیک به سویت آید، مرا به درخواست از تو وا می‌دارد، زیرا همه‌ی احسان‌های تو از روی تفضل است و همه‌ی نعمت‌های ابتدایی است. حضرت (ع) توبه و بازگشت به سوی حق را نیز از فضل و احسان ابتدایی خداوند می‌داند: «الحمد لله الذی دلنا علی التوبه الی لم نفعها الا من فضله فلو لم نعتد من فضله الا بها لقد حسن بلاؤه عندنا و جل احسانه الینا و جسم فضله علینا» (دعای ۲۲/۱)؛ سپاس خدای را که ما را به توبه و بازگشت راهنمایی فرمود، توبه‌ای که آن را نیافتیم جز به فضل و احسان او. پس اگر از فضل و بخشش ابتدایی او جز توبه چیز دیگری را به شمار نیاوریم، نعمت او در حق ما نیکو، احسانش در باره‌ی ما بزرگ و فضلش بر ما عظیم است. تفضل یا احسان ابتدایی مربی نشان از علاقه‌مندی او به مربی است و موجب تغییر رفتار در مربی می‌گردد و او را به راه بازمی‌گرداند. در تعلیم و تربیت رسمی، معمولاً نه مربی به فکر «احسان ابتدایی» است و نه مربی توقع احسان ابتدایی مربی است! رابطه‌ی بین تعلیم و تربیت همواره رابطه‌ای «داد و ستودار» است که به طور پنهان «بده بستان رشوه‌گونه» را به ذهن متبادر می‌سازد. تفضل و احسان ابتدایی بدون منت، از این جا ناشی می‌شود که مربی دوست و مربی خواه بوده و مربی در جان و دل او نفوذ دارد. چنان که پروردگار هستی چنین رابطه‌ای با بندگان خویش دارد؛ از روی فضل بی‌حساب خود به احسان ابتدایی خلق مشغول و خلق نیز به تفضل او می‌دوارند. لذا در نظام تعلیم و تربیت «رب مدار»، رابطه تفضل بین دو سوی آن جاری است.

روش تبشیر

روش دیگری که در بازگشت مربی به سوی خوبی‌ها و حقیقت در صحیفه بر آن تأکید شده، روش تبشیر، مژده دادن و یا امیدوار کردن مربی است. در این روش که قبل از عمل صورت می‌گیرد، مربی ناامیدی را از مربی می‌زداید و او را به رحمت، مهربانی و نعمت‌های آینده مژده می‌دهد. به کارگیری این روش موجب می‌شود، مربی با قلبی آرام و مطمئن به عمل برخیزد، از عمل ناپسند بگریزد و به سوی حقیقت بازگردد و بدین سان در رفتار خویش تغییر ایجاد کند. حضرت (ع) در این باره می‌فرماید: «اللهم انی وجدت فیما انزلت من کتابک و بشرت به عبادک ان قلت: یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمۃ الله. ان الله یغفر الذنوب جمیعاً» (دعای ۲۵۰)؛ بار خدایا! من در کتاب تو که فرورستادی و بندگان را به آن مژده دادی یافتم که فرموده‌ای: ای بندگان من که بر نفس‌های خود اسراف کرده و از حد تجاوز نموده‌اید، از رحمت و بخشش خدا نومید نشوید که خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد. (زمر / ۵۳). «لا یأس منک و قد فتحت لی باب التوبه الیک» (دعای ۷/۱۲)؛ از تو نومید نمی‌شوم، در حالی که در بازگشت به سوی خودت را به رویم گشوده‌ای. «فلولا المواقف الی أمل من عفوک الذی شمل کل شیء لا لقیتم بیدی» (دعای ۳/۵۰)؛ پس اگر نبود جاهایی که امیدوارم از عفو و گذشتت که هر چیزی را فرامی‌گیرد، خود را از دست می‌رهانیدم [و هلاک و تباه می‌ساختم]. ایجاد امید در مربی و بشارت به رحمت، نعمت و گذشت، او را از فروغلتیدن به فرو دست بازمی‌دارد و به فرادست متوجه می‌کند، البته به کارگیری این روش باید با چنان مهارتی صورت پذیرد که افراد را از «معامله‌گری» بازدارد. افراط در این روش، مربی را «تاجر مآب» بار آورده، عمل را جز به بهای رسیدن به پاداشی در آینده انجام نخواهد داد و چون به پاداش و نعمت رسد عمل را از یاد می‌برد؛ بدون این که آن را در نهاد خویش نهادینه ساخته باشد. بنابراین دامنه‌ی مژده‌دهی باید متناسب با ظرفیت روانی مربی در نظر گرفته شود؛ هر چه ظرفیت روانی و درونی مربی بیشتر باشد، تبشیر تأثیر مطلوب‌تری خواهد داشت. به همین خاطر بهتر است تبشیرها بیشتر جنبه‌ی غیر مادی داشته باشد تا بر مربی اثر ماندگار بگذارد. حرکت در مسیر تربیت به وسیله‌ی تبشیر، مستلزم نوعی «خود نگهداری و آینده‌نگری» است؛ لذا هر کس خود نگهدارتر و آینده‌نگرتر باشد تأثیر مژده بر او بیشتر و مستحکم‌تر خواهد بود، به همین دلیل دامنه‌ی تبشیر باید برای کودکان کوتاه‌تر در نظر گرفته شود؛ زیرا متربیان خردسال به خاطر احساسات و عواطف متغیر و زودگذر و نیز عدم درک صحیح از زمان، از خود نگهداری و آینده‌نگری محدودتری برخوردارند.

روش نیکی در برابر بدی

چهارمین روش که از اصل بازگشت یا تغییر رفتار استخراج می‌شود، «نیکی در برابر بدی» است. این روش شیوه‌ی همیشگی همه‌ی پیشوایان دین نسبت به دوستان خطاکار و دشمنان نادان بوده است. شیوه‌ای که خدای سبحان نیز در برابر بدکاری‌ها و نافرمانی‌های بندگان خود از روی فضل و کرم خویش به کار می‌گیرد. روش «احسان در برابر اسائه» شیوه‌ای مناسب برای تربیت و اصلاح بدی‌هاست. گاهی با احسان به فرد خطاکار، فطرت خدا جوی او بیدار و از کردار خویش نادم می‌شود و به راه حقیقت می‌گراید؛ این روش باید با حساسیت ویژه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، تا تأثیر تربیتی خود را بر مرتبی بر جای گذارد. حضرت (ع) در دعایی که برای همسایگان خود می‌کند چنین می‌فرماید: «و اجعلنی اللهم اجزی بالاحسان مسیئهم و اعرض بالتجاوز عن ظالمهم» (دعای ۳/۲۶)؛ بار خدایا مرا به آن دار که بدکردارشان را به نیکی پاداش ده، از ستمکارشان به عفو و بخشش در گذرم. در دعای دیگری از خداوند درخواست می‌کند که: «سددنی لان اعراض من غشنی بالنصح و اجزی من هجرنی بالبر و ائیب من حرمنی بالبذل و اکافیء من قطعنی بالصله و اخالف من اغتابنی الی حسن الذکر» (دعای ۹/۲۰)؛ مرا توفیق ده تا با کسی که با من غش (ناراستی) نمود، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش ده. و کسی که مرا نومید گردانیده به بخشش عوض ده و کسی را که از من بریده به پیوستن مکافات نمایم و از آن که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم.

روش تأخیر در کیفر

از آن جا که اصل در تشویق، سرعت تشویق و اصل در تنبیه تأخیر آن است، روش تأخیر در کیفر و تنبیه، زمینه را برای تفکر بیشتر مرتبی فراهم می‌سازد تا در کار خود نیک بنگرد و خویشتن را از بند گناهان و خطاهای خوار کننده برهاند، لذا بازگشت و تغییر در رفتار مرتبی را ممکن می‌سازد. امام (ع) شگفتی خود را از برخورد مهربانانه‌ی خداوند با بنده‌ی خویش چنین ابراز می‌دارد: «و اعجب من ذلک اناتک عنی و ابطاؤک عن معاجلتی و لیس ذلک من کرمی علیک بل تانیا منک لی و تفضلا منک علی لان ارتدع عن معصیتک المسخطة و اقلع عن سیئاتی المخلفه و لان عفوک عنی احب الیک من عقوبتی» (دعای ۲۶/۱۶)؛ شگفت‌تر از آن [شمارش کار پنهانی خودم برای تو] بردباری تو درباره‌ی من و درنگ تو از شتاب در کیفر رسانیدن من است و این نه برای گرامی بودن من نزد توست، بلکه برای مدارا و خوشرفتاری و احسان تو بر من است؛ تا از معصیت خشم آور تو دست بردارم و از گناهان خوار کننده، خود را بازدارم و نیز به آن سبب است که گذشتن از [گناهان] من نزد تو از به کیفر رساندن من خوشایندتر است.

روش موعظه

سه روش تربیتی «موعظه، یادآوری نعمت و شناساندن حمد و سپاس» در راستای اصل «تذکر» از صحیفه استخراج می‌گردد. پند و وعظ اگر به شایستگی صورت پذیرد (موعظه حسنه) [۳]، روشی نیکو در یادآوری و تذکر است. البته واعظ خود باید عامل به وعظ باشد تا موعظه نافذ و سازنده شود و این ممکن نخواهد بود مگر این که زبان مرتبی یا واعظ به هدایت الهی گویا باشد: «و انطقنی بالهدی» (دعای ۱۶/۲۰)؛ به هدایت مرا گویا گردان. در سراسر صحیفه، پند و اندرز در قالب دعا موج می‌زند، و همین نشان دهنده‌ی این است که وعظ، پند و اندرز به عنوان شیوه‌ای نیکو برای به یاد آوردن مرتبیان، همواره مورد توجه مربیان و پیشوایان دینی بوده است.

روش یادآوری نعمت

پند و موعظه توأم با یادآوری نعمت‌ها مؤثرتر و نافذتر است، زیرا یادآوری نعمت قدرت دفاعی متری را در برابر موعظه سست کرده مقاومت و لجاجت او را نسبت به موعظه بر نمی‌انگیزاند. یادآوری نعمت به این دلیل صورت می‌گیرد که متری به خاطر خصیصه‌ی غفلت و اشتغال خاطر - به ویژه اگر کودک باشد که احساسات زودگذر و تمایلات متغیر دارد - در زمان کنونی غرق شده و از گذشته‌ی خویش و نعمت‌ها و گشایش‌هایی که به او ارزانی شده بود، غافل می‌گردد. ذکر نعمت‌ها او را به خود می‌آورد و وی را به سوی منعم و مربی بازمی‌گرداند؛ در منطق صحیفه یادآوری نعمت باید در پرتو حمد و ستایش رب صورت گیرد، بدین جهت حضرت (ع) در دعای اول به ذکر نعمت‌ها در پرتو حمد خداوند می‌پردازد و پس از این که ضعف انسان را در پیروی از دستورات الهی و مخالفت با اوامر او برمی‌شمرد، بر بازگشت و توبه به عنوان فضل الهی تأکید می‌ورزد و خداوند را به خاطر گشودن در توبه به سوی انسان، حمد و ستایش می‌کند و انسان کمال یافته و خوشبخت را کسی می‌داند که به خدای متعال روی می‌آورد (دعای اول / ۱۸ تا ۲۲).

روش شناساندن حمد و ستایش

چنان که گفته شد، یادآوری نعمت باید در پرتو حمد و ستایش صورت گیرد تا متری به نعمت و بخشش‌های پی در پی منعم توجه کند. بنابراین باید حمد و سپاس را به متری شناساند و او را نسبت به این شیوه‌ی تربیتی آشنا ساخت، زیرا اگر این شناسایی صورت نپذیرد، متری از همه نعمت‌ها بهره‌مند شده، استفاده خواهد برد و در کمال غفلت به شکرگزاری نخواهد پرداخت و بدین ترتیب از مرز انسانیت به فرو دست غلتیده، به عالم حیوانیت روی می‌آورد: «الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما ابلاهم من مننه المتتابعه و اسبغ علیهم من نعمه المتظاهره لتصرفوا فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذلک لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد اللبیمیه فکانوا کما وصف فی محکم کتابه ان هم الا کالانعام بل هم ضل سبیلا» (دعای اول / ۸)؛ سپاس خدایی را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمت‌های پی در پی که به ایشان داده و بخشش‌های پیوسته‌ای که برای آن‌ها تمام گردانیده، بازمی‌داشت؛ هر آینه نعمت‌هایش را صرف نموده، او را سپاس نمی‌گزاردند و در روزی‌ای که عطا فرموده گشایشی می‌یافتند [اما] شکرش را به جان می‌آوردند. و اگر چنین می‌بودند (که شکر نمی‌کردند)، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می‌آوردند و چنان بودند که در کتاب استوار خود وصف فرموده: ایشان جز مانند چارپایان نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند.

روش ابراز توانایی‌ها

این روش که مبتنی بر اصل «عزت» و با توجه به نقاط قوت و توانایی‌های انسان به دست می‌آید، متری را بر آن می‌دارد که خود را توانا و کارآمد ببیند، زیرا اگر نیروهای درونی خود را بیابد، احساس سرافرازی و عزت واقعی در او پدید خواهد آمد و اگر خویشتن را ناکارآمد و ناتوان ببیند، احساس سرافکنندگی و ذلت خواهد داشت. بنابراین مربی وظیفه دارد امکان بروز توانایی‌های متری را فراهم سازد تا وی خود را کارآمد و توانا بیابد و در پرتو آن به احساس عزتی برخوردار از عزت واقعی درونی دست یابد. بهترین شیوه برای ابراز توانایی‌ها، یادآوری و شکر نعمت‌هایی است که خداوند به متری ارزانی داشته است. ابراز توانایی‌ها، یادآوری و شکر نعمت‌هایی است که خداوند به متری ارزانی داشته است. آشکار ساختن عملی نعمت‌ها و پدیدار ساختن توانایی‌ها معنای واقعی شکر نعمت است (۶، ج: ۲۰، ص: ۳۱۲). البته حضرت (ع) اذعان می‌کنند که آدمیان به غایت شکر خدا نخواهند رسید، زیرا شکر نعمت‌های الهی که در زبان و عمل پدید می‌آید، خود نعمتی از جانب پروردگار است که باید شکر آن را نیز به جای آورد. (دعای ۱/۳۷). «الحمد لله علی ما عرفنا من نفسه و الهمنا من شکره» (دعای اول / ۱۰)؛ سپاس خدایی را که خودش را به ما شناساند و شکرش را به ما الهام کرد. الهام شکر از جانب خدا نشانگر این حقیقت است که انسان فطرتاً باید شاکر او باشد و این شکر عملی و

ابراز نعمت‌ها و توانایی‌های خدادادی و بهره‌مندی از آن‌ها انسان را به عزتی الهی می‌رساند و به او شرافت و بزرگی می‌بخشد و آن که کفران نعمت کند و توانایی‌های خویش را پاس ندارد و بپوشاند، به آن چنان حقارت نفسی می‌رسد که خود را نیازمند دیگران دانسته و عزت و شرافت خویش را بر باد می‌دهد؛ بدین جهت حضرت (ع) در فرازهای متعددی از صمیفه [۴] از خداوند می‌خواهد که او را نزد خلق بزرگ و عزیز کند و نزد خدا کوچک و نیازمند: «و ذللتنی بین یدیک و اعزنتی عند خلقک» (دعای ۱۱۸/۴۷). عزت در نزد مخلوقات چیزی جز دانستن توانایی‌ها و تکیه بر آن‌ها به مدد و یاری الهی نیست و جز در پرتو عبودیت او به وجود نمی‌آید، زیرا متربی وقتی بداند خود چیزی برای ابراز وجود و قوه‌ای برای به فعلیت رساندن دارد، هرگز به درگاه مخلوق رو نمی‌آورد و عزت خویش را ضایع نمی‌گرداند و همین موجب زنده شدن عزت درونی اوست.

روش حسن ظن

احتمال خطایی از متربی را حتمی و یقینی تلقی کردن خطاست. این خطا موجب بدبینی متربی نسبت به مربی می‌شود و به فدا شدن احساس عزت در متربی خواهد انجامید. اما روش حسن ظن، مربی را قادر می‌سازد در مقابل خطای غیر یقینی متربی بهترین واکنش را از خود نشان دهد و با آبروی او بازی نکند. این روش در فقه اسلامی تحت عنوان «اصالۃ الصحه» مورد توجه قرار گرفته است [۵]. طبق این اصل، عمل فرد مسلمان درست و روا تلقی می‌شود و اگر احتمال نادرستی آن داده شود، نباید به آن اعتنا نمود و در مقام پی‌جویی و تجسس برآمد؛ زیرا حفظ عزت مسلمان با تجسس منافات دارد. حضرت (ع) در مقام به کارگیری از روش «حسن ظن» از خداوند درخواست می‌کند که: «و اجعلنی اللهم... استعمل حسن الظن فی کافتهم» (دعای ۳/۲۶)؛ خداوند! مرا بر آن دار که درباره‌ی همه آن‌ها [برادران دینی و همسایگان] خوش گمان باشم.

روش عذر پذیری

پذیرفتن عذر متربی نسبت به خطایی که از او سر زده، مانع از آن است که احساس عزت او از بین برود، زیرا اگر مربی عذر او را نپذیرد، متربی از بر ملا-شدن خطای خود و تن دادن به ذلت گناه ابایی نخواهد داشت. این جاست که عزت نفس او در معرض آسیب و شخصیت او در آستانه‌ی تخریب قرار می‌گیرد. عذر پذیری یکی از روش‌های تربیتی است که می‌تواند موجبات عزت نفس متربی را فراهم آورد. امام سجاد (ع) در دعایی موسوم به «اعتذار» از این که عذر خطاکار را نپذیرفته از محضر الهی عذرخواهی می‌کند: «اللهم انی اعتذر الیک... من مسیء اعتذر الی فلم اعذره» (دعای ۱/۳۸)؛ بار خدایا، من به درگاه تو عذر می‌خواهم از بدکرداری که از من عذر خواسته و من عذرش را نپذیرفته‌ام. حضرت (ع) در موارد متعددی عذرپذیری را روش خدای سبحان در برابر عذرخواهی بندگان معرفی می‌کند مثلاً: «و ما انا بالوم من اعتذر الیک فقبلت منه» (دعای ۱۱/۱۲)؛ من نکوهیده‌تر از کسی که به پیشگاه تو عذر آورده و عذرش را پذیرفته‌ای نیستم.

روش عیب پوشی

عیب پوشی و عذر پذیری هر دو در زمانی به کار گرفته می‌شوند که خطای متربی یقینی است و باید عیب و گناه او را پوشاند و نه تنها به دیگران منتقل نکرد بلکه به روی خود او هم نیاورد و این دو روش مکمل یکدیگرند. پوشاندن عیوب متربی و مستور کردن گناه و خطای او، مانع از هتک حرمت و پاره شدن پرده‌ی حیای او می‌شود و تا زمانی که حیا و آبروی او در پس پرده باقی بماند، عزت او نیز حفظ خواهد شد و می‌توان امیدوار بود که دیگر به سراغ آن خطا نرود و به گناه آلوده نگردد. حضرت (ع) خداوند را به خاطر پوشاندن عیوب او و مستور نهادن گناهان او حمد و سپاس می‌نماید: «یا الهی! فلک الحمد فکم من عائبه سترتها علی فلم

تفضحنی، و کم من ذنب غطیته علی فلم تشهرنی، و کم من شائبه الممت بها فلم تهتك عنی سترها و لم تقلدنی مکروه شناها و لم تبد سواتها لمن یلتمس معائبی من جیرتی و حسده نعمتک عندی» (دعای ۱۶/۲۱)؛ ای خدای من! سپاس تو را است که چه بسیار عیب مرا پوشاندی و رسوایم نکردی، چه بسیار گناه مرا پنهان نمودی و معروف نمودی؛ چه بسیار زشتی که به جا آوردم و پرده مرا ندریدی و طوق ناپسندی و زشتی آن را به گردنم نینداختی و بدی‌های آن را بر همسایگانم که در جستجوی عیب‌هایم هستند و بر رشکبران نعمتی که به من داده‌ای آشکار نساختی. هم چنین در دعای بیستم از خداوند درخواست می‌کند که زیور پارسایان را که مستور ساختن عیوب دیگران از جمله آن‌ها است به او ببوشاند.

نتیجه گیری

از آن چه گذشت آشکار گردید که نظام تربیتی اسلام دارای مؤلفه‌های گوناگون است که می‌توان آن‌ها را از متون اسلامی استخراج کرد و به نظریه‌های راهنمای عمل دست یافت. صحیفه‌ی سجادیه به عنوان اثری معتبر در میان این متون، دارای مضامین تربیتی بلندی است که منبع قابل اعتمادی برای استنباط عناصر اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی است؛ در باب اهداف تربیتی صحیفه «قرب الهی» و «تربیت عقلانی» و «شناخت خدا» دو هدف واسطه‌ای می‌باشند. «خداجویی، غفلت و خود دوستی» سه مبنای مهم تربیت هستند که از دو مبنای «خداجویی و غفلت» اصل «بازگشت» و «تذکر» و با توجه به مبنای «خود دوستی»، اصل «عزت» استخراج می‌گردد. در باب روش‌ها، در مجموع دوازده روش تربیتی که همگی مبتنی بر اصول سه گانه‌ی «بازگشت، تذکر و عزت» هستند، به دست می‌آیند. این روش‌ها عبارتند از: ۱- توبه؛ ۲- تفضل؛ ۳- تبشیر؛ ۴- نیکی در برابر بدی؛ ۵- تأخیر در کیفر (مبتنی بر اصل بازگشت)؛ ۶- موعظه؛ ۷- یادآوری نعمت؛ ۸- شناساندن حمد و ستایش (مبتنی بر اصل تذکر)؛ ۹- ابراز توانایی‌ها؛ ۱۰- حسن ظن؛ ۱۱- عذرپذیری و ۱۲- عیب پوشی (مبتنی بر اصل عزت).

پاورقی

[۱] برای آگاهی بیش‌تر از رابطه‌ی بین مبانی، اصول و اهداف بنگرید به ۲، ص: ۶۵.

[۲] برای مطالعه‌ی بیشتر ر. ک: همان، ص: ۵۴.

[۳] ادع الی سبیل ربک بالحکمۀ و الموعظۀ الحسنۀ؛ نحل / ۱۲۵.

[۴] ر. ک: دعای ۱۲/۲۰؛ دعای ۳/۲۲؛ دعای ۱۳/۵ و...

[۵] رک: قواعد فقهیه از آیت ا... بجنوردی، ج: ۱، ص: ۲۳۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتهد فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: «هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

